

تبلیغ در سیره و گفتار عارفان

رحیم کارگر

بخش اول: یادکرد یار

ذکر حق پاک است، چون پاکی رسید
رخت بر بندد، برون آید پس لید
(مولوی)

ذکر و یاد حق؛ یعنی فراموش
نکردن خداوند و غافل نشدن از
خداوندی که مبلّغ مردم را به سوی او
هدایت می‌کند. مبلّغ در همه حال باید
به یاد مولای خود باشد، توجه خود را
به او معطوف کند؛ خودش را در
محضر او بداند؛ نام و ذکر او را
همواره بر زبان جاری سازد؛ قصد
تقرب و جلب خشنودی او را داشته

«تبلیغ»، تنها در نحوه گفتار و

سخنرانی‌های شخصی مبلّغ متجلی
نمی‌شود؛ بلکه تمام رفتارهای فردی
و اجتماعی او را در بر می‌گیرد. مبلّغ
باید به شخصیت «فردی» و
«اجتماعی» خود توجه کامل داشته
باشد. هم به درون و معنویت خود
توجه کند و به تزکیه و تهذیب نفس
بپردازد و هم به رفع گرفتاری‌ها و
مشکلات نیازمندان بپردازد.

این دو امر مهم را در دو بخش
یادکرد یار و رفع حوائج نیازمندان؛
مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

آید و خدای را یاد کند و به وقت معصیت، دست ندارد و به وقت، فرمان به جای آرد...»^۲

مبلغان ذاکر

«ذکر و یاد الهی» در تبلیغ، به دو گونه جلوه گر می‌شود:

۱. مبلغ در هنگام تبلیغ خدا را حاضر و ناظر کار خود بدانند و لحظه‌ای از او غافل نشود.

۲. مبلغ و واعظ، در همه احوال و آنات زندگی در خلوت و جلوت، دو امر را فراموش نکند:

الف) نام و ذکر الهی را بر زبان جاری کند و دائم‌الذکر باشد؛

ب) کارها و فعالیت‌های تبلیغی خود را با نام و یاد او شروع کند و به او توکل و اتکا داشته باشد.

یادکرد یار، یادآور نیاز دائمی ما به او و عظمت و بزرگی او نسبت به ما است؛ پس در هر حال باید متذکر نام و یاد او باشیم.

الف) در محضر یار

عارف کامل حاج شیخ محمد

باشد و آنی از ذکر و یاد الهی غافل نشود.

پیشوای عارفان امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

«وَكُنْ لِلَّهِ ذَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ در همه حال به یاد خداوند باش.»

هادیان و منادیان پاکی‌ها، باید خود پاک و طاهر باشند و پیوسته متذکر و یادآور حق بوده، ایام و اوقات عمر را غنیمت شمرند. یک لحظه غفلت از شارع مقدس، باعث ضعف و سستی در تبلیغ و وعظ و عدم نتیجه‌گیری بهینه در آن می‌باشد.

بایسته است که مبلغ به عمق مفهوم «ذکر و یاد الهی» پی ببرد و با جلوه‌ها و نشانه‌های آن آشنا شود، تا به شکل مناسب به انجام وظیفه پرداخته و مسؤولیت خود را فراموش نکند.

نتیجه ذکر و یاد حقیقی، در تبلیغ و ارشاد دیگران نمود پیدا می‌کند و انسان را به سمت امر به معروف و نهی از منکر سوق می‌دهد.

ابوحامد غزالی گوید: «ذکر حقیقی آن بود که به وقت امر و نهی (نصیحت و ارشاد و تبلیغ)، فرا پیش

۱- امامی شیخ طوسی، ص ۸

۲- کیمیای سعادت، ابو حامد محمد غزالی، ج ۱، ص ۲۵۶

بهاری همدانی علیه السلام، گفته است:

«دیگر این که هیچ وقتی از اوقات زندگی اش، از مولای خود غافل نباشد. همواره باید کرده خود را به او عرضه دارد، تارد و قبول وی معلوم گردد... دل باید همیشه با او باشد. نمی بینی که حکام عرف، در هر نقطه ای که هستند، دلشان دائماً در پایتخت است.»^۱

دانشمند اخلاقی، سید جعفر کشفی علیه السلام درباره ویژگی های عالمان و مبلغان دین می گوید:

«در جمیع حرکات و سکانات خودشان، مراقب خود و خداوند می باشند، به نحوی که گویا خدای را می بینند و اگر نمی بینند، می دانند که خداوند ایشان را می بیند. و گفتار آن ها با کردار مطابق می باشد و به آداب حضور و تعظیم و خشیت اقدام می نمایند و در تعلیم و تدریس و فتوای خود غیر از قرب حق، نشر علم، اظهار حق، بیان شرع، تقویت دین، رضای خداوند، ثواب آخرت و خلافت از خدا و رسول و ائمه علیهم السلام، دیگر چیزی در نظر ندارند و نفس را از آرایش دنیا و حرص و طمع و طول

امل، تزکیه و پاک نموده اند...»^۲
علامه عارف، فیض کاشانی علیه السلام می گوید:

«شایسته است [مبلغ] در هیچ حال و هنگامی از یاد خدا غافل نگردد؛ بلکه پیوسته یا بیشتر اوقات به یاد خدا باشد. در هنگام قیام و در قعود؛ زمانی که به پهلو خوابیده و آن گاه که در حضور مردم و یا تنها است؛ زمانی که می خورد و می آشامد؛ در حال تلاش و تکاپو است، یا قرار [و آرام] گرفته است... او را یاد کند.»^۳

(ب) دائم الذکر بودن

دانشمند اخلاقی، سید جعفر کشفی علیه السلام می نویسد:
«باری باید که [مبلغان و عالمان] مقبل برشان و شیوه خود باشند و نمازهای فریضه [را] در اول اوقات آن ها، در نهایت حضور و آداب به جای آرند و نوافل مرتبه را ترک نکنند و تهجد در شب را فراموش ننمایند و قرائت کتاب الله در هر روز، اقلأ یک جزو بنمایند و دست

۱- تذکرة المتقین، ص ۱۳۱.

۲- میزان الملوك والطوائف، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۳- اذکار القلوب، ص ۱۷.

و فعالیت هایش - به خصوص سخنرانی، موعظه، ارشاد، امر به معروف، ذکر مصیبت و... - نام و یاد خدا را فراموش نکند و اسامی زیبای او را بر زبان جاری سازد.

عارف بزرگ میرزا جواد آقا ملکی تبریزی سفارش می‌کند:

«بر واعظ است که برای انجام دادن این امر مهم، خود و کارهای خود را به امامان معصوم علیهم‌السلام واگذارد. پیش از شروع منبر، باقرائت «بسم الله الرحمن الرحيم» از خداوند یاری جوید. و بعد از حمد و ثنای الهی، مختصری دعا نموده، از شیطان و نفس پناه جوید. آن‌گاه وعظ خود را آغاز و جلو اشتباهات خود را بگیرد. اگر این کارها را انجام داده و در تسلیم امور خود به خداوند و اولیایش، راست بگوید؛ خداوند او را حفظ می‌کند، سخن و وعظ او را مفید و موثر نموده و آن را نور و حکمت

تمسک را از آن کوتاه نکنند. در اکثر اوقات - خصوصاً قبل از طلوع آفتاب و قبل از غروب آن - به ذکر و استغفار مشغول باشند تا به فرموده «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا مِنْ أَنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى»^۱ عمل نموده و به مرتبه رضا برسند. و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب در مصلاهی خود به هیأت حال تشهد بنشینند و به تعقیب مشغول باشند و بعد از طلوع آفتاب، مشغول به تعلیم، تدریس، فتوا، سوال و جواب مردمان، نشر علوم، احیای امر دین و... باشند. هم چنین بعد از نماز ظهر و عصر و در شب، به میهمانی و مجالس لهو و لعب، غفلت و مصاحبت عوام ننمایند و نروند. بعد از تعشی بخوابند و در وقت خواب با طهارت و ذکر بسیار، بخوابند تا به همان حال ذکر به خواب روند تا خوابگاه ایشان به منزله مصلی و خواب ایشان عبادت باشد. و از معنای حدیث «تَوَمُّمُ الْعَالِمِ عِبَادَةٌ»^۲ بهره‌مند گردند.

(ج) شروع با نام و یاد خدا

واعظ و مبلغ قبل از تمامی کارها

۱- طه / ۱۳۰. (ترجمه: پیش از برآمدن آفتاب و قبل از فروشدن آن با ستایش پروردگارت [او] را تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز، باشد که خوشنودگرددی.)

۲- میزان الملوک و الطوائف، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

می‌گرداند.^۱

علامه محدث نوری رحمته الله می‌گوید:
«چون پای بر [منبر] گذاشت، بایستد؛
غیر از ذات مقدس حضرت احدیت
و خلفای راشدینش (یعنی ائمه
اطهار علیهم السلام) همه را فراموش کند
؛ کسی را نبیند؛ کسی را نجوید.»^۲

ذاکران عارف

۱. امام صادق علیه السلام فرموده است:
«پدرم (امام باقر علیه السلام) کثیر الذکر بود.
خدا را بسیار یاد می‌کرد. من در
خدمت او راه می‌رفتم، می‌دیدم که
خدارا ذکر می‌کند. با او به طعام
خوردن می‌نشستم، می‌دیدم که
زبان‌ش به ذکر خدا گویا است. با مردم
سخن می‌گفت و این کار، او را از ذکر
خدا مشغول نمی‌کرد. من مرتب
می‌دیدم که زبان آن حضرت، به سقف
دهانش چسبیده، می‌گوید: «لا اله الا
الله». در خانه ما را جمع می‌کرد و
می‌فرمود: تا طلوع خورشید خدا را
ذکر کنیم.»^۳

۲. درباره حالات استاد اخلاق

میرزا جواد آقا تهرانی رحمته الله گفته‌اند:

«ایشان اهل ذکر و دعا و مناجات
و یاد خدا بودند. دعا‌های کتاب «هدیه

احمدیه» را مقید بودند هر شب بعد از
نماز مغرب و عشا بخوانند و به ذکر
هنگام طلوع و غروب آفتاب اهمیت
به سزایی می‌دادند و حتی اگر مشغول
سخنرانی بودند و یادشان می‌آمد،
سخنرانی را قطع می‌کردند و
می‌گفتند: وقت ذکر است و آن را
انجام می‌دادند. به دیگران هم آموزش
و تذکر می‌دادند که لا اقل ده بار همین
ذکر «تسبیحات اربعه» را که در
روایتی آمده است، بگویند، به خاطر
دستور خداوند تبارک و تعالی در
قرآن کریم: «وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ
الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ» نزدیک غروب
آفتاب، ده مرتبه این ذکر را قرائت
می‌نمودند: «لا اله الا الله وحده لا
شریک له...»^۴

۳. در حالات آیت الله العظمی
اراکي رحمته الله آمده است:

«ایشان همواره از اوقات خویش
بهره می‌برد. مطالعه، تدریس، عبادت
و... بخشی از کارهای روزانه او را

۱- المراقبات، ص ۲۹۰.

۲- لؤلؤ و مرجان، ص ۱۳.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۹.

۴- خاطراتی از آئینه اخلاق، ص ۵۰.

سیمای اندوهگینان، هم دردی و هم نوایی با صاحبان رنج، سعی در رفع مشکلات و سختی‌های گرفتاران و... است.

مبلغ وارسته و خردورز، در راستای وظیفه تبلیغی و ارشادی خود و در رابطه با مردم، چند راهکار و برنامه را در اولویت کاری خود قرار می‌دهد:

۱- برای تبلیغ و هدایت دیگران، تنها به سخنرانی و وعظ اکتفا نمی‌کند؛ بلکه به طور مستمر از شیوه‌ها و روش‌های مختلفی سود می‌جوید. او نباید تنها به منبر و سخنرانی یک طرفه بسنده کند؛ بلکه باید دائماً بدون هیچ تظاهر و تصنعی، در بین مردم - به خصوص گرفتاران - باشد و به گونه‌های مختلف دل آن‌ها را به دست آورد و تا حد توان، یاری شان کند.

۲- از آن جایی که مبلغان محترم در بین مردم - به خصوص توده‌های پایین جامعه - هستند و با آن‌ها

تشکیل می‌داد. ایشان از خانه که به مدرسه فیضیه می‌آمدند، در طول راه یا به پاسخ پرسش‌های شاگردان می‌پرداختند و یا به ذکر خداوند مشغول می‌شدند و هیچ کاری ایشان را از ذکر الهی باز نمی‌داشت.^۱

بخش دوم: رفع حوائج نیازمندان

ره نیکمردان آزاده گیر

چو استاده‌ای، دست افتاده گیر

کسی نیک بیند به هر دو سرای

که نیکی رساند به خلق خدای

پیشوای عارفان امام صادق علیه السلام فرموده است:

«خدای تعالی، از مخلوق خود گروهی را آفریده و آنان را برای برآوردن حوائج شیعیان فقیر ما برگزیده تا برای این کار، بهشت را به ایشان پاداش دهد. پس اگر می‌توانی از آنان باش.»^۲

یکی از بایسته‌های اخلاقی مبلغان و صفات برجسته هادیان بشر، دستگیری از نیازمندان، کمک و یاری رساندن به درماندگان، رفع حاجت‌های مادی و معنوی محتاجان، زدودن غم و غصه از

۱- شرح حال آیت العظمی اراکی، ص ۱۵.

۲- جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۰۸.

پشت و پناه مسلمین باشد.» هر کس که دادرس مردم شد، او «ملجاً الانام و ملاذ الاسلام» [پناهگاه مردم و دژ اسلام] است ... هم چنین «حجت الاسلام» آن است که اقوال و افعال او، مسلمین را حجت باشد؛ و گرنه حجت خالی از وجه خواهد بود.^۲

علامه فیض کاشانی نیز در این باره می‌فرماید:

«[وظیفه دیگر] محافظت بر حقوق اخوان و قضای حوائج ایشان [است]، چه تأکیدات بلیغه در آن شده؛ بلکه [آن را] بر اکثر فرائض، مقدم داشته‌اند.»^۳

در این زمینه، به نمونه‌های عملی از سیره و رفتار علما و عارفان اشاره می‌شود:

۱. حاج ملا محمد صالح برغانی می‌فرمود: پدرم گفت:

«در خواب دیدم که پیغمبر اکرم ﷺ نشسته و علما در خدمت آن حضرت نشسته‌اند، مقدم بر همه ابن فهد حلی جای دارد، تعجب کردم که

برخورد داشته، احیاناً با مشکلات و ناراحتی‌های آنان آشنا می‌شوند؛ بهتر است سعی در رفع حاجت‌های آنان را برای خود فریضه بشمارند. البته این به میزان قدرت و توانایی روحی و مادی مبلغ بستگی دارد.

عالم ربانی مولا احمد نراقی رحمته الله می‌نویسد:

«شکی نیست که بر آوردن حاجت برادران دینی، موجب سرور و خوشحالی ایشان می‌گردد و ثواب مسرور کردن برادر ایمانی نیز، از حد و نهایت بیرون است. شاد کردن دلی، بهتر از آباد کردن کشوری است. دل‌های غمناک، خانه‌خداوند پاک است؛ پس کسی که آن را به شادی مرمت کند خانه‌خدا را مرمت کرده و هر کسی را نسبت بندگی به خدا است و هر که بنده کسی را شاد کند، مولای او را شاد کرده است.»^۱

مبلغان و یاری نیازمندان

عارف کامل بهاری همدانی رحمته الله می‌نویسد:

«از جمله اموری که مبلغ و عالم باید رعایت کند، این است که حقیقتاً در موارد نیازها و گرفتاری‌های مردم،

۱- معراج السعادة، ص ۳۸۷ و ۳۸۸.

۲- تذکرة المتقین، ص ۱۳۰.

۳- زاد السالک، ص ۳۴.

هر کس که دادرش مردم شد، او
 «ملجأ الانام و ملاذ الاسلام»
 [پناهگاه مردم و دژ اسلام]
 است... هم چنین «حجت
 الاسلام» آن است که اقوال و
 افعال او، مسلمین را حجت
 باشد؛ و گرنه حجت خالی از وجه
 خواهد بود.

این همه علما، با آن مقامات و شهرت،
 چگونه است که همه در مقامی
 پایین‌تر از ابن فهد جای دارند؛ با این
 که ابن فهد در میان علما چندان
 شهرتی ندارد؟ از این رو موضوع را
 از رسول اکرم ﷺ پرسیدم، فرمود:
 «علت این است که دیگر علما
 هنگامی که فقیر به آن‌ها مراجعه
 می‌کرد، اگر از مال فقرا نزد ایشان بود
 به او می‌دادند؛ و گرنه جواب
 می‌کردند، اما ابن فهد هرگز فقیران و
 نیازمندان را از نزد خود محروم باز
 نمی‌گردانید و اگر از مال فقرا نزد او
 نبود، از مال خود می‌داد. این مرتبه را

از این کار یافت.»^۱
 ۲. دستگیری از فقرا، در نگاه
 شیخ عباس تهرانی رحمته الله علیه، از جایگاهی
 رفیع برخوردار بود و ایشان سعی و
 اهتمام فراوان در برآوردن حاجت
 نیازمندان داشت. گاهی ایشان با افراد
 متمکن صحبت می‌کرد و می‌گفت:
 «آیا می‌توانید به من صد تومان قرض
 بدهید و سپس من در فرصت‌های
 مناسب کم کم بدهی خود را بپردازم؟
 پس از موافقت و هماهنگی، پول‌ها را
 می‌گرفت و به مصرف فقرا
 می‌رساند...»^۲

۳. یکی از نزدیکان امام
 خمینی رحمته الله علیه می‌گوید: «علاقه امام به
 مردم، یک علاقه عادی نیست، یک
 عشق است... واقعاً امام برای مردم
 می‌سوزند و مانند یک پدر مهربان،
 همیشه برای فرزندان پاک خود،
 سعادت آرزو می‌کنند. امام بارها در
 کنار تلویزیون - که صحنه‌های
 دلخراش فقر و محرومیت نشان

۱- بیدارگران اقالیم قبله، ص ۲۱۱. (به نقل از
 قصص العلماء تنکابنی).

۲- دو عارف سالک، ص ۸۰.

خدای تعالی، از مخلوق خود
گروهی را آفریده و آنان را برای
برآوردن حوائج شیعیان فقیر
ما برگزیده تا برای این کار،
بهشت را به ایشان پاداش
دهد. پس اگر می‌توانی از آنان
باش.

۶. درباره سید مرتضی علیه السلام
نوشته‌اند: «او پیوسته مراقب حال
مستمندان و مواظب بسیاری از
خانواده‌های نیازمند بود. برای
بسیاری از افراد بی بضاعت، ماهانه
مقرر داشته بود که خود آنان، از منبع
آن خبر نداشتند و پس از رحلت سید
که ماهانه قطع گردید، متوجه شدند.»^۴

داده می‌شود - گریه کرده‌اند...»^۱
۴. در شرح زندگی شیخ جعفر
کاشف الغطاء می‌نویسند: «آن قدر به
مستمندان رسیدگی می‌کرد و در رفع
مشکلات آنان فعال و از خود گذشته
بود که در بیشتر سال‌ها، هر چه داشت
انفاق می‌کرد و وقتی دستش از همه
جا کوتاه می‌گشت، خانه مسکونی
خویش را رهن می‌گذاشت و پولش
را به فقرا می‌بخشید.»^۲

۵. در شرح احوال حاج ملا
هادی سبزواری نوشته‌اند: «معاش
حاجی از این قرار است: از قنات
عمید آباد... سالی چهل تومان فایده و
حاصل باغ بود... قسمتی از این دخل
را با کمال قناعت صرف معاش خود
می‌فرمودند و مابقی به فقرا ایتار و
انفاق می‌شد. هر سال در عشر آخر
صفر سه شب روضه خوانی
می‌کردند... و نان و آب گوشت به
فقرا می‌دهد که شل و کور و عاجز بودند،
می‌خورانیدند و نفری یک قران به
آن‌ها مبدول می‌داشتند...»^۳

۱- فرازهایی از ابعاد روحی، اخلاقی و
عرفانی امام خمینی، ص ۳۷.

۲- قصص العلماء، ص ۱۸۸.

۳- سیمای فرزندگان، ص ۳۶۷.

۴- همان.